

معناشناسی «برکة» در قرآن

طیبه اکبری راد^۱

فاطمه حاج شیخ علی زهرایی^۲

چکیده

برکة (یا برکت) در اصل به معنای ثبوت، دوام و فزونی خیر است که در حال رشد و افزایش است. مشتقات این واژه در قرآن تبارک، بارکنا، مبارک، بورك و برکات است. واژه تبارک در هشت مورد برای خداوند و در یک آیه برای «اسم» پروردگار بکار رفته است. همچنین، ذات باری تعالی نی خود «برکة» مطلق است. گستره معنایی مشتقات برکت، شامل برکت در نسل، برکت در سرزمین، خیرات انبیاء، آب باران، خانه خدا و کتاب خدا می باشد. از جمله عوامل برکت‌زایی می‌توان ایمان و تقوا، اطاعت خدا، صدقه دادن و... را نام برد و از جمله موانع آن نیز شرک، انکار کتاب خدا و انبیاء الهی، اسراف و عدم انجام وظایف مقرر، مانند: پرداخت زکات و خمس و سایر موارد شرعی، است.

واژگان کلیدی: معناشناسی، برکة، برکت، تبارک، مبارک، برکت‌زایی، برکت‌زدایی

^۱ استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال Akbarirad@mailfa.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث - دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران

شمال Ft.shadman.z@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم، کتاب آسمانی است که از ناحیه خدا، برای سعادت و راه یابی انسان به سوی حق، بر آخرین پیام آور الهی، محمد بن عبد الله (ص) فرستاده شد. قرآن معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) است. یکی از واژه های پر کاربرد و با دامنه معنایی وسیع که در قرآن کریم آمده است، واژه برکت (برکت) و مشتقات آن است. البته خود کلمه برکت در قرآن نیامده ولی مشتقات آن، جمعاً ۳۲ بار تکرار شده است. برکت به معنای پایداری خیر الهی در چیزی و رشد و افزایش آن، علاوه بر عوامل مادی، شامل عوامل معنوی و غیر مادی است که با مادیات ارتباط نزدیک داشته و در آن موثر است. در این مقاله سعی بر این است که مفهوم برکت و کاربردهای آن، عوامل و موانع برکت را با استفاده از روشهای معنانشناسی توصیفی تبیین و بررسی کنیم.

مفهوم برکت

واژه «برکت» از ریشه (ب - ر - ک) است؛ معنای متداول برکت شامل فضل، فیض، خیر و فزونی مادی یا معنوی می باشد.^۱ برکت را از آن رو برکت نامیده اند که خیر در آن ثابت است، همانند ثبوت آب در برکه و «مبارک» چیزی است که در آن خیر وجود دارد.^۲ هم چنین برکت به معنی فراخی، خجستگی و نیک بختی همیشگی و دائمی است.^۳

مقصود از اصطلاح برکت، خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی است. برکت معنوی مانند دین و قرب خدا و سایر خیرات گوناگون معنوی، و نیز برکت حسی، مانند مال و کثرت بقای نسل و دودمان و سایر خیرات مادی است که برگشت آن به معنویات می باشد. برکت، خیری است که متناسب با ظرفیت و کارکرد هر پدیده ای، در آن نهاده می شود. مثلاً برکت در نسل، به فراوانی فرزندان است. ولی به اعتبار کیفی، به معنای گستردگی معنوی در نسل است.^۴ واژه «برکت» به صورت مفرد در قرآن نیامده است ولی به صورت جمع آن، یعنی کلمه «برکات»، در سه آیه از قرآن آمده است.^۵

موارد و کاربردهای برکت در قرآن کریم

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۵۹

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، صص ۲۶۱ و ۲۶۲

۳. دهخدا، لغت نامه، زیر نظر دکتر معین و دکتر سید جعفر شهیدی، ج ۳، صص ۴۶۰۵-۴۶۰۶

۴. همان.

۵. همان، ج ۷، ص ۲۸۰

مشتقات واژه برکت در قرآن ۳۲ بار ذکر شده است که ۹ بار با الفاظ شریف «تبارک»، هفت بار «بارکنا»، دوازده بار «مبارک»، سه بار «برکات» و یک بار «بورک»، مجموعاً در بیست و دو سوره و سی و دو آیه آمده است. ذکر تبارک برای خداوند متعال است، این واژه ۹ مرتبه در قرآن کریم آمده است، در هشت آیه از قرآن کریم برای خداوند ذکر شده است و در آیه یک سوره ملک تبارک برای «اسم» پروردگار آمده است. بیشترین کاربرد واژه برکت در قرآن، مربوط به تبارک بوده که به معنی تمجید و تجلیل و بزرگداشت است.^۱ در سوره ملک واژه تبارک برای خدایی آمده که ملک در دست اوست: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۲؛ بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر همه چیز تواناست.

کلمه «تبارک» درباره هر چیزی استعمال شود، از کثرت صدور خیرات و برکات آن چیز خبر می‌دهد. در آیه اول سوره الرحمن واژه تبارک در رابطه با خداوندی که صاحب جلال و عزت و احسان و کرامت است نازل شده است: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ^۳؛ چه پر برکت است نام رحمن خدا که پروردگار تو و دارای صفات جلال و جمال است.

در آیه زیر «تبارک» برای پروردگاری آمده که که خالق آسمانها و زمین است. إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَبِيبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۴؛ پروردگار شما همان کسی است که آسمانها و زمین را در مدتی به اندازه شش شبانه روز پدید آورد. قدرت و سلطنت او پس از خلق آسمانها و زمین، استقرار یافت و بر فرشتگان آشکار گشت.

واژه تبارک گاه برای خداوندی آمده که قرآن را برای بنده‌اش نازل کرد: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^۵؛ بزرگوار است خداوندی که فرقان را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خداترس گرداند. مبارک بودن ذات پروردگار، به وسیله نزول فرقان، یعنی

۱. فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۳۶۸

۲. الملک / ۱

۳. الرحمان / ۷۸

۴. الاعراف / ۵۴

۵. الفرقان / ۱

قرآنی که جدا کننده حق از باطل است، معرفی شده و این نشان می‌دهد که برترین خیر و برکت آن است که انسان وسیله‌ای برای شناخت حق از باطل در دست داشته باشد.^۱

در آیه زیر «تبارک» برای خدایی آمده که آسمان را منزلگاه ستارگان قرار داد و خورشید و ماه را آفرید: تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا^۲؛ بزرگ است آنکه در آسمانها برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماه روشن پدید آورد. آیه درباره هشدار و توجه دادن انسانها به برکات و خیرات الهی و ویژگیها و دگرگونی آنها است که با لفظ تبارک آنها را یاد آوری می‌کند.^۳

«تبارک» برای خدایی آمده که آفریننده بهشتی است که از زیر درختان آن نهرهایی روان است. «تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ يَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا؛ بزرگوار است پاک خدایی که اگر خواست برای تو بهتر از آنچه این کافران گفتند قرار می‌داد و آن بهشت‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است قصرهای بسیار عالی خاص تو قرار می‌داد».^۴

گاهی واژه تبارک برای خداوندی آمده که آسمان و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک اوست. «وَ تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و بزرگوار خدایی که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک اوست و علم ساعت قیامت نزد اوست و شما همه به سوی او بازگردانیده می‌شوید».^۵ این آیه شریفه ثنایی است بر خدای تعالی به داشتن خیر کثیر، چون معنای "مبارک" بودن این است که محل صدور خیر کثیر باشد.

گاه واژه تبارک برای خداوندی آمده که زمین را آرامگاه و آسمان را برافراشته و انسانها را آفریده و به آنها روزی عطا کرده است. «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۶؛ خداست آن که زمین را آرامگاه شما قرار داد و آسمان را (کاخی رفیع) برافراشت و شما را به نیکوترین صورتهای بیافرید و از غذاهای

^۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷

^۲. الفرقان/ ۶۱

^۳. راغب اصفهانی، المفردات فی الغریب القرآن، ج ۱، ص ۱۲۰

^۴. الفرقان/ ۱۰

^۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۵۷

^۶. الزخرف/ ۸۵

^۷. الهی قمشه ای، ترجمه قرآن، ج ۱، ص ۴۹۵

^۸. الغافر/ ۶۴

لذیذ خوش به شما روزی داد، این خدا پروردگار شماست، زهی برتر و بزرگوار است خدای یکتا پروردگار عالمیان.^۱ (فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) این جمله ثنایی است بر خدای عز و جل به اینکه ربوبیت و تدبیرش تمامی عالمها را فرا گرفته، و این به منظور آن بود که بفهماند ربوبیت خدای تعالی یکی است، و تدبیرش نسبت به امور انسان عین تدبیرش نسبت به امور همه عالم است، پس خدای سبحان منشا خیر کثیر است که در لغت آن را "برکت" گویند.^۲

در آیه زیر «تبارک» برای خدایی است که انسان را از آب بی ارزش بوجود آورده است. «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ^۳؛ آن گاه نطفه را علقه و علقه را مضغه (چیزی شبیه به گوشت جویده) کردیم و سپس آن مضغه را استخوان کردیم پس بر آن استخوانها گوشتی پوشاندیم پس از آن خلقتی دیگرش کردیم پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است.»

موارد مبارک در قرآن کریم

مبارک، مبارکا و مبارکه: هر کدام از مشتقات این واژه چهار مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است و به معنی آن چیزی است که در آن خیر و برکتی وجود دارد. این کلمه در لغت به معنای میمون، فرخنده و خجسته آمده است.^۴

مبارک بودن خانه کعبه

برای این خانه چهار امتیاز ذکر شده است که یکی از آنها مبارک بودن است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ^۵؛ اولین خانه عبادتی که برای مردم بنا نهاده شد، آن خانه‌ای است که در مکه واقع است، خانه‌ای پر برکت که مایه هدایت همه عالمیان است.» برکت کعبه را به سبب ثواب و بخشش گناهان دانسته اند که حاجیان، عمره گزاران، معتکفان و طواف کنندگان کعبه به دست می‌آورند.^۶ سرزمین مکه و خانه کعبه هم شهری پر برکت و مبارک است و هم اینکه موجب هدایت

^۱. طباطبایی، المیزان فی التفسیر قرآن، ج ۱۷، ص ۵۲۴

^۲. همان، ج ۱۷، ص ۵۲۴

^۳. المومنون/ ۱۴

^۴. معلوف، المنجد، ج ۱، ص ۱۱۳

^۵. آل عمران/ ۹۶

^۶. زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۳۷۸؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۹۸

عالمیان می‌شود و لذا به همین دلیل، عده ای لفظ مبارک را به برکات دنیوی و مادی و لفظ هدایت را به برکات اخروی تعبیر کرده اند.

کتاب مبارک

در چهار سوره قرآن، مبارک صفت کتاب و در یک سوره مبارک صفت ذکر آمده است. «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهُ؛ این کتابیست که ما آن را نازل کرده‌ایم هم مبارک است و هم تصدیق کننده کتابهای پیشین تا ام القری (مکه) را با هر که اطراف آن هست بیم دهی.» داشتن برکت و خیر کثیر و هدایت انسان به سعادت، نشانه نزول قرآن از سوی خدا است و اینکه قرآن از طرف خدا نازل شده این است که در آن برکت و خیر کثیر است و مردم را به سوی استوارترین راه هدایت نموده و خداوند به وسیله آن کسانی را که در پی تحصیل رضای اویند به راههای سلامت رهبری می‌کند، مردم در امر دنیایشان از آن منتفع شده، اجتماعشان متشکل و قوایشان فشرده و آرایشان متحد می‌شود، و در نتیجه صاحب زندگی طیب و پاکی می‌گردند.^۲

در آیه زیر مبارک، صفت برای ذکر (نام دیگری برای قرآن کریم) آمده است: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ^۳؛ و این [قرآن] ذکر مبارکی است که آن را نازل کرده‌ایم، پس آیا شما آن را انکار می‌کنید؟» برکت و منافعش بسیار و علوم آن به وفور و بیش از حد است.^۴ فواید معنوی قرآن بسیار و پندها و اندرزهای آن فراوان است. همان گونه که تورات، فرقان و روشنی و ذکر بود، قرآن نیز همان گونه است، بلکه به درجات افزونتر. و هم چنان که تورات بر بنی اسرائیل برکت بود، قرآن نیز برای پیروان خود برکت است و آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌آورد و تکامل مادی و معنوی می‌بخشد. از جمله صفات بارز قرآن کریم آن است که سبب خیر و برکت و محور صلاح و تأمین سعادت بشر از لحاظ زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد.

مبارک در آیه زیر نیز به عنوان صفت قرآن آمده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ^۵؛ این کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند.» این قرآن کتابی است که خیرات و برکات بسیار برای عوام و خواص مردم

^۱. الانعام/۹۲

^۲. طباطبایی، المیزان فی التفسیر قرآن، ج ۷، ص ۲۷۹

^۳. الانبیا/۵۰

^۴. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۲، ص ۱۵۱؛ هذا ذِکْرٌ مُّبَارَكٌ برکنه کثره منافع و غزاره علومه

^۵. ص / ۲۹

دارد، تا مردم در آن تدبر نموده به همین وسیله هدایت شوند، و یا آن که حجت بر آنان تمام شود، و نیز برای اینکه صاحبان خرد از راه استحضار حجت‌های آن و تلقی بیاناتش متذکر گشته و به سوی حق هدایت شوند. قرآن نعمتی است که خداوند بر آنها عطا فرموده تا مردم از آن بهره مند شوند.^۱

یکی از برکات قرآن کریم شفاء و رحمت است که می فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»^۲؛ و از قرآن آنچه را برای مؤمنان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم، ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.» یکی از برکات قرآن کریم، تدبّر در آیات آن است تا از قضایای امم سابق عبرت بگیرند و به مواضع آن متعظ شوند، مطیع اوامر او شوند، به دستورات و احکام او عمل کنند، آیات او را تلاوت کنند، تمسک به او کنند، شفیع خود قرار دهند و غیر اینها از برکات که باعث حفظ از کلیه آفات و بلیات می‌شود. لذا مُبَارَكٌ صفت قرآن کریم است. علت اینکه شفا و رحمت بودن قرآن را به مؤمنان اختصاص می‌دهد، این است که فقط آنها هستند که از قرآن بهره‌مند می‌گردند. مردم ستمکار، به وسیله قرآن، نه تنها بهره‌ای نمی‌برند، بلکه برزیان کاری آن‌ها افزوده می‌شود. آن‌ها سزاوار پاداش نمی‌شوند، بلکه لایق کیفر می‌گردند، زیرا کافرند و در باره قرآن فکر نمی‌کنند.^۳ قرآن پلیدی باطنی آنها را آشکار می‌کند، پرده از روی مکرها و نیرنگ‌های آنها نسبت به پیامبر برمی‌دارد و آنها را رسوا می‌کند.^۴

مبارک بودن پدیده‌های طبیعی

بخشی دیگر از پدیده‌های مبارک مربوط به بعضی از جلوه‌های طبیعت خداوند است. در سوره نور می‌فرماید: «اللَّهُ نُورٌ... فِي زُجَاةِ الزُّجَاةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ...»^۵؛ خدا نور آسمانها و زمین است.... آن چراغ با روغن زیتی صاف روشن باشد که از درخت پر برکت زیتون (سر زمین مقدس) گرفته شده باشد نه زیتون شرقی و نه غربی. مفسران برکت درخت زیتون را بدین سبب دانسته‌اند که گونه‌هایی از منافع را در خود جای داده است و روغن آن روشن‌ترین روغن است. افزون بر این گفته‌اند که درخت زیتون نخستین درختی است که پس از

^۱. طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۵۵۸

^۲. الاسراء / ۸۲

^۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۹۸

^۴. همان

^۵. النور/ ۳۵

طوفان نوح روییده و محل رویش آن منزلگاه انبیاء بوده است.^۱ از روغن آن برای روشن کردن چراغ و خوردن و دباغی استفاده می‌شود و چوب آن نیز برای سوختن قابل بهره برداری است. خاکستر آن برای شستن ابریشم مورد استفاده است و برای جدا کردن روغن آن احتیاج به فشردن ندارد. برخی گویند: علت اینکه زیتون را ذکر میکند بخاطر این است که روغن آن بهتر می‌سوزد.^۲

بقعه مبارک

در آیه ۳۰ از قصص واژه مبارکه صفت برای بقعه آمده است: «فَلَمَّا أَتَتْهَا نُودِيَ مِنَ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۳؛ همین که نزدیک آتش رسید صدایی از کرانه رود از طرف راست از درختی که در قطعه زمینی مبارک واقع بود برخاست که ای موسی به درستی من خدای رب العالمینم.» پس از اینکه موسی به سمت راست وادی قطعه مبارکه نزدیک شجره رسید، ناگهان ندای روح افزای او را فراگرفت و سبب برکت و شرافت موسی و آن قطعه گردید. بدیهی است شجره و درخت واسطه و حجابی بوده که از وراء آن نداء شرف صدور یافت و موسی را مورد خطاب قرار داد.^۴ بقعه به قطعه ای از زمین می‌گویند که با زمین های مجاورش تفاوت داشته باشد.^۵ و وصف مبارکه برای این است که معدن رسالت بوده و یا از این جهت است که درختان، میوه ها و خیر و منفعت فراوانی در آن ها وجود داشته است.^۶ مفسران بقعه مبارکه را همان سرزمین مقدس می‌دانند که هنگام ورود موسی به آنجا او را اینگونه خطاب کرد.^۷

جایگاه مبارک

در سوره مؤمنون مبارک بودن جایگاه، منظور کشتی نوح است که وسیله نجات است. خداوند پس از سوار شدن نوح در کشتی به او وحی کرد که از پروردگار خود برکت بخواهد: «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ^۸؛ و بگو: پروردگارا! مرا در جایی پر برکت فرود آور، که تو بهترین

^۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۲۵

^۲. همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰

^۳. القصص/۳۰

^۴. حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۲۲۲

^۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۶۲

^۶. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۹۲

^۷. همان

^۸. المؤمنون / ۲۹

فرود آرندگانی.» برخی گفته‌اند: مقصود از جایگاه مبارک، خود کشتی است. برخی گفته‌اند: مبارک بودن کشتی به خاطر این است که وسیله نجات است. برخی گویند: مقصود این است که مرا در جایی فرود آور که دارای آب و درخت باشد. برخی گویند: منظور از مبارک این است که همراهان تولید نسل فراوان کنند. یعنی بعد از پایان گرفتن طوفان، کشتی ما را در سرزمینی فرود آور که دارای برکات فراوانی باشد و ما بتوانیم با آسودگی خاطر به زندگی خود ادامه دهیم.^۱

آب مبارک

خداوند باران را مایه برکت، باعث رشد و رویش گیاهان، باغات و حبوبات و... برای تامین روزی انسان‌ها و دیگر موجودات روی زمین می‌داند. همچنین می‌فرماید: نزول باران علت زنده شدن زمین مرده نیز هست. گاه واژه مبارک به عنوان صفت برای باران آمده است: «وَوَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جِبْتًا وَحَبَّ الْحَصِيدِ^۲؛ و از آسمان، آبی پر برکت نازل کردیم و به دنبالش باغها و دانه‌های درو کردنی رویاندیم.» همچنین از آیات دیگری هم می‌توان برداشت کرد که آسمان نیز دارای جنبه‌هایی از برکت است.^۳ از آسمان آبی که با برکت است فرود آوردیم. برای آنکه اشجار و نباتات و حبوبات از زمین روئیده شود و بوستان‌ها و باغ‌ها برای روزی بشر و تفریحگاه آنان مهیا باشد. نیز درخت خرما که بلند و باردار است، آن را به آب باران رویاندیم.^۴ به محض آن که باران فرو می‌ریزد، خیرات زمین به جوشش و شکافتن و از زمین بیرون می‌آید، و پس از آن که سطح زمین به صورت صحرای خشکی در آمده بود، روپوش زیبای سبزی بر آن گسترده می‌شود. منظور از «ماء مبارک» باران است. و اگر آن را مبارک خوانده بدین جهت است که خیرات آن به زمین و اهل زمین عاید می‌شود. پس منظور از «ماء مبارکاً» آبی با برکت و بسیار با منفعت است.^۵

سلام و تحیت مبارک

پدیده مبارک دیگری که قرآن در ضمن دستوری اخلاقی برای حسن معاشرت مسلمانان از آن یاد می‌کند سلام است. «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً^۶؛ و زمانی که

^۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۶۷

^۲. ق / ۹

^۳. الزمر/ ۲۱، المومنون/ ۱۸

^۴. اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱۳، ص ۲۷۱

^۵. مدرسی، تفسیر هدایت من هدی القرآن، ج ۱، ص ۴۶۸

^۶. النور/ ۶۱

به خانه‌ها وارد شدید به یکدیگر سلام کنید. این درودی است از ناحیه خدا که مبارک و پاکیزه است.» منظور این باشد که وقتی کسی داخل بر اهل خانه‌ای شد، بر آنان سلام کند، و ایشان جواب سلامش را بدهند. سلام، تحیتی است از ناحیه خدا، چون او تشریحش کرده و حکمش را نازل ساخته تا مسلمانان با آن یکدیگر را تحیت گویند، و آن تحیتی است مبارک و دارای خیر بسیار، حقیقت این تحیت گسترش امنیت و سلامتی بر کسی است که بر او سلام می‌کنند، و امنیت و سلامتی پاکیزه‌ترین چیزی است که در میان دو نفر که به هم برمی‌خورند برقرار باشد.^۱ سلام گفتن سبب زیادی خیر است، زیرا از دعای مؤمن برای مؤمن امید خیری از جانب خداوند می‌رود.^۲

مبارک بودن حضرت عیسی^(ع)

از میان پیامبران، حضرت عیسی تنها پیامبری است که قرآن گواهی او را بر مبارک بودن خود نقل کرده است: «وَجَعَلْنِي مُبَارِكًا أَيَّنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا^۳؛ و مرا هر جا باشم مبارک ساخت و به نمازگزاری و زکات پردازی در سراسر عمرم سفارش نمود.» معنای مبارک بودن حضرت عیسی^(ع)، این است که او برای مردم منافع بسیار دارد، علم نافع به ایشان می‌آموزد و به عمل صالح دعوتشان می‌کند، او به ادبی پاکیزه‌تر تربیتشان می‌کند، و کور و پیس را شفا داده، اقویا را اصلاح و ضعف را تقویت و یاری می‌کند.^۴ برخی گویند: که عیسی^(ع) می‌گوید مبارک هستم یعنی در راه ایمان ثابت و پایدار هستم، زیرا اصل برکت، به معنای ثبوت است.^۵ بعضی از مفسران همچون طبرسی مبارک را در این منفعت رسانی بسیار برای همه مردم و خیر در دین و دعوت به آن معنا کرده‌اند. و گفته‌اند: او معلم خیر بود و نسبت به ایمان ثابت قدم بود.^۶ برخی او را به سبب امر به معروف و نهی از منکر و راهنمایی گمراهان و یاری مظلومان مبارک دانسته‌اند.^۷

موارد بارکنا در قرآن کریم

^۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۶۵

^۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۴۷

^۳. مریم / ۳۱

^۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۶۱

^۵. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۶۵

^۶. همان، ج ۶، ص ۷۹۳

^۷. قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷

واژه « بارکنا » که از مشتقات برکت می باشد؛ به معنی نهادن دائمی خیر و برکت و فضل پر حاصل بوده و شش بار در قرآن کریم آمده است. از جمله موارد آن برکت در نسل، برکت در کمالات و خیرات انبیاء، برکت در سرزمین های مقدس و... می باشد.

برکت در نسل

ابراهیم، اسماعیل و اسحاق^۱ و اهل بیت ابراهیم نیز از بهره مندان از برکت خداوند هستند: «وَ بَارَكُنَا عَلَيْهِ وَ عَلٰی اِسْحٰقَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ^۱؛ و بر او و بر اسحاق برکت دادیم، و از فرزندان ایشان برخی نیکوکارند و برخی آشکارا بر خود ستمکارند.» آیه اشاره به ثبوت و دوام نعمتهای الهی بر ابراهیم و اسحاق (و خاندانشان) دارد و یکی از برکاتی که خداوند بر ابراهیم و اسحاق داد این بود که تمام انبیای بنی اسرائیل از دودمان اسحاق به وجود آمدند. در حالی که پیامبر بزرگ اسلام از دودمان اسماعیل است.^۲ مفسران معنای بارکنا را فراوانی فرزندان و ماندگاری نسل آنان تا قیامت و همچنین نجات یافتن اسماعیل از ذبح شدن، دانسته اند.^۳

برکت کمالات و خیرات انبیا

در آیاتی از قرآن در رابطه با خیرات برخی از انبیا سخن به میان آمده است: «وَقُلْ رَبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَ اَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ^۴؛ و نیز بگو پروردگارا مرا به منزل مبارکی فرود آر که تو بهترین فرود آورنده ای.» خدای تعالی به نوح تعلیم می دهد که بعد از جای گرفتن در کشتی، خدا را بر این نعمت که از قوم ظالمان نجاتش داد حمد گوید. در زمین فرودش آورد، فرود آوردنی مبارک و دارای خیری بسیار و ثابت، چون او بهترین منزل دهنندگان است.^۵ برخی دیگر منظور از برکت را افزایش فرزندان و نسل ساکنان کشتی می دانند.^۶ خداوند نیز بر این معنا تأکید کرده و فرود نوح از کوه یا کشتی را با سلام و برکات خود همراه کرده است: «قِيلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَیْكَ وَ عَلٰی اُمَّمٍ مِّنْ مَّعَكَ^۷؛ گفته شد ای نوح! با سلامت و برکت از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت هایی که با تو هستند فرود آی، و

^۱. الصافات / ۱۱۳

^۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳۰

^۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۰۹؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۷۵

^۴. المومنون/ ۲۹

^۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۰

^۶. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۶۶

^۷. هود / ۴۸

امت‌هایی نیز هستند که به زودی خواهند آمد.» در این آیه شریفه خداوند به مؤمنان راستین وعده می‌دهد که درهای برکت الهی به روی آن‌ها گشوده خواهد شد و از نظر زندگی مادی هیچ گونه نگرانی به خود راه ندهند. این نزول برکت بر قوم نوح، پس از تحقق آزمایش‌های الهی و تفکیک مؤمنان از کافران بوده است. برکت را می‌توان مخصوص مؤمنان و نعمت را مخصوص عامه بشر دانست.^۱

برکت در سرزمین‌های مقدس

«وَنَجِّنَاهُ وُلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ^۲؛ او و لوط را [با مهاجرت] به سوی سرزمینی که در آن برای مردم برکت گذاشته‌ایم، نجات دادیم.» این مربوط به داستان نجات حضرت ابراهیم (ع) از آتش نمرودیان و سپس خروج حضرت لوط از میان قومش می‌باشد. این سرزمین مبدأ کمالات و خیرات دینی و دنیوی است. برخی نیز برکات در آن سرزمین را اعم از برکات مادی و معنوی می‌دانند.^۳ برخی گویند: منظور سرزمین بیت المقدس بوده که جایگاه انبیاست. برخی گویند: مکه بود که در آنجا کعبه مقدس است.^۴ زیادی برکات به واسطه این است که اکثر انبیا شریعت خود را بر مبنای کمالات دنیوی و اخروی در این مکان تثبیت کردند.^۵

در سوره الاعراف می‌خوانیم: «يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا...^۶؛ ما بنی اسرائیل را که مردمی ضعیف به شمار می‌رفتند قدرت داده و مشارق و مغارب سرزمین مقدس را به ایشان واگذار نمودیم. آنها از این لحاظ، مشمول عنایات و الطاف خداوندی شدند که در برابر آزارهای فرعونیان صبر کرده و به کارهای سخت، تن دادند.^۷ ظاهراً مراد از «ارض» سرزمین شام و فلسطین است، برای اینکه خداوند در قرآن کریمش غیر از سرزمین مقدس که همان نواحی فلسطین است و

^۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۱۹

^۲. الانبیا / ۷۱

^۳. قرطبی، الجامع الاجکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۵

^۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۹؛ خانی، ریاضی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص

۱۴۵؛ عاملی، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۳۲۱

^۵. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۳۸

^۶. الاعراف / ۱۳۷

^۷. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۴

کعبه هیچ سرزمینی را به برکت یاد نکرده است.^۱ به وسیله زراعت، میوه و جاری کردن چشمه‌ها و نهرها آنجا را برکت دادیم. آری سرزمین وسیع شامات از جهت آب و هوا، و موقعیت جغرافیایی، و کشاورزی و باغداری، و متصل بودن به دریا، و ارتباط با قاره‌های سه گانه آسیا و اروپا و آفریقا، امتیاز مخصوصی داشت.^۲

در مورد سرزمین با برکت می خوانیم «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ^۳؛ و تندباد را مسخر سلیمان کردیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم روان می‌گشت، و ما به هر چیزی آگاه بودیم.» باد وزنده را برای سلیمان مسخر گردانیدیم. هر وقت که او اراده می‌کرد تند می‌شد و هر وقت اراده می‌کرد کند می‌شد و در سرزمین شام که مأوای سلیمان و سرزمین با برکت بود جریان پیدا می‌کرد.^۴

گسترش برکت به اطراف

قرآن کریم با تأکید بر اهمیت مسجدالاقصی این مسجد و هم منطقه پیرامونی آن را که سرزمین فلسطین می‌شود. مکانی مبارک معرفی کرده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^۵؛ پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود (محمد) (ص) را از مسجد حرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را (به قدوم خاصان خود) مبارک ساخت، سیر داد تا آیات خود را به او بنمایاند که همانا خداوند شنوا و بیناست.» خداوند فرمود که مسجد الاقصی جایی است که اطراف آن را هم با برکت ساخته‌ایم و دارای درختان و میوه‌ها و گیاهان و امنیت و فراوانی نعمت است. احتیاجی نیست که نیازمندی‌های مردم آن از جاهای دیگر تأمین شود. مجاهد گوید: یعنی اطراف آن را مبارک ساختیم، زیرا آنجا را مقرر پیامبران و محلّ نزول فرشتگان گردانیده‌ایم. بدین ترتیب، از آلودگی شرک، پاک است و پیامبران در آنجا به پرستش خداوند یکتا پرداخته‌اند و مشرکان از آنجا رخت بر بسته‌اند. بنابراین اطراف مسجد الاقصی هم از برکات دینی و هم از برکات دنیوی برخوردار است.

برکت در قریه‌ها

^۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۲

^۲. مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۹، ص ۱۲۴

^۳. الانبیا / ۸۱

^۴. ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۴۸، الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا بِتَثْمِيرِ الْأَخْلَاقِ وَالْمَلَائِكَةِ الْفَاضِلَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ

برکات الهی، هدیه‌هایی است که از طرف خداوند به بندگان خود افاضه می‌شود و آنها توسط این برکات منشاء خیر می‌شوند. یکی از ویژگی‌های برکت از منظر قرآن کریم منفعت عمومی داشتن آن برای جامعه و بشریت است. به عنوان مثال اگر حضرت عیسی (ع) مبارک خوانده شده است، به دلیل خدمت عظیم او به بشریت بوده در سوره مریم/۳۱ و یا آیه دیگر که او و حضرت مریم (س) را نشانه و آیتی برای همه عالمیان می‌داند «وَأَلَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ^۱؛ و آن زن را به یاد آر که عفت خویش نگه داشت و از روح خویش در او دمیدیم ...». بعضی از مفسران «مبارک» را در این آیه منفعت رسانی بسیار برای همه مردم و خیر در دین و دعوت به آن معنا کرده اند و گفته اند: او معلّم خیر بود.^۲

در رابطه با حضرت ابراهیم (ع) نیز گفته شده که چون امام و پیشوای همه مردم بوده، لذا خداوند برکت را بر او نازل نموده است. همچنین مبارک بودن باران، به دلیل خاصیت وجودی آن برای همه افراد و همه موجودات عالم است. کعبه مبارک شناخته شده زیرا اولین خانه عبادتی که برای مردم بنا نهاده شده، مایه هدایت همه عالمیان است، هیچ زمانی طواف در اطراف خانه کعبه قطع نمی‌شود. مضاعف بودن ثواب عبادت و بندگی، بخشش و آمرزش گناهان انسان‌ها، از بین رفتن فقر و تنگدستی، پاداش بر نظر کردن به کعبه و... را می‌توان از دیگر برکات آن خانه نام برد.^۳

عوامل برکت

ایمان و تقوا دو عامل مهم برای مومنان است که می‌تواند موجب رحمت و برکت از جانب خدا شود. چنانچه در قرآن آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۴؛ اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم.» سپس خداوند متعال بیان می‌دارد در صورتی که این اقوام ایمان آورده بودند و تقوای الهی پیشه می‌کردند، به جای عذاب از برکات آسمانی و زمینی بهره مند می‌شدند. طبرسی می‌گوید: مراد از برکات آسمان اجابت دعا و مراد از برکات زمین برآوردن حوائج

^۱. الانبیا/۹۱

^۲. طبرسی، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۹۳

^۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴

^۴. اعراف/۹۶

مادی می باشد.^۱ مؤلف تفسیر کنز الدقائق، منظور از برکات را توسعه خیرات بر مردم دانسته است. و معتقد است مراد آیه این است که برکاتی از آسمان و زمین بر آن ها نازل می کنیم که تاکنون برای پیشینیان نازل نکرده ایم.^۲

ولایت علی (ع)

یکی از عوامل برکت برای مؤمنان، ولایت امیرالمومنین علی (ع) است. امام باقر (ع) به نقل از پیغمبر (ص) فرمود: «همانا نسیم رحمت و آسودگی و پیروزی و کمک و کامیابی و برکت و بزرگواری و آمرزش و ایمنی و توانگری و مزده و رضوان و تقرب و یاری و توانایی و امید و دوستی خدای عزوجل، برای کسی هست که علی را دوست بدارد و اطاعتش کند و از دشمنش بیزاری جوید و به فضیلت او و جانشینانش معترف باشد»^۳

سحر خیزی

یکی دیگر از عوامل برکت، سحر خیزی است. امام صادق (ع) فرمود: «دوست دارم ببینم مردی را که برای پیدا کردن روزی اش رغبت دارد یا دارای شغلی است و برای یافتن روزی سحرخیز است؛ چه رسول خدا (ص) در حقشان دعا کرده و از خداوند درخواست کرده است که امت او را که صبح زود به دنبال کسب روزی برمی خیزند، برکت دهد.»^۴

دعای سحر

دعای سحر نیز از عوامل برکت به شمار می آید. حضرت امام باقر (ع) فرمود: «خدای عزوجل از میان بندگان مؤمنش، آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند. پس بر شما باد به دعا از هنگام سحر تا طلوع آفتاب؛ زیرا آن هنگامی است که درهای آسمان در آن هنگام بازگردد و روزی ها در آن تقسیم شود و حاجت های بزرگ برآورده گردد.»^۵

شکرگزاری

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۹۸

۲. قمی، کنز الدقایق، ج ۵، ص ۱۴۱

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۰

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۶

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۸

شکرگزاری هم یکی دیگر از عوامل برکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «اگر شکرگزار باشید، بر شما فزونی می دهم.»^۱

صدقه دادن

صدقه یکی دیگر از موارد برکت شمرده می شود. يُرْبِي الصَّدَقَاتِ^۲ در عوض صدقات را نمو می دهد، امام علی (ع) می فرماید: «هرگاه تهی دست شدید، با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.»^۳

اطاعت و رضایت خدا

اطاعت و رضایت خدا نیز از عوامل برکت است. امام رضا (ع) فرمود: «خدای عزوجل به یکی از پیغمبران وحی فرمود: هرگاه اطاعت شوم، راضی گردم و چون راضی شوم، برکت دهم و برکت من بی پایان است، و هرگاه نافرمانی شوم، خشم گیرم، لعنت کنم.»^۴

صله رحم

صله رحم برکت را در اموال زیاد می کند. امام علی (ع) فرمود: «صله رحم، اعمال را پاک کند، بلا را دور نماید، اموال را برکت دهد، مرگ را به تأخیر اندازد، روزی را وسعت دهد و آدمی را در میان خانواده محبوب سازد؛ پس باید از خدا پروا کرد و صله رحم نمود.»^۵

رسیدگی به پیران سالخورده

رسیدگی به پیران سالخورده باعث رحمت و برکت می شود. رسول اکرم (ص) می فرماید: «وجود پیران سالخورده بین شما، باعث افزایش فیض ربوبی و بسط نعمت های الهی است.»^۶

خوش رفتاری

اخلاق نیکو یکی دیگر از عوامل برکت می باشد. پیامبر اعظم (ص) فرمود: «در نرم رفتاری، زیادی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد، از خیر محروم گشت.»^۷

یاد و سپاس خدا هنگام غذا خوردن

^۱. ابراهیم / ۷

^۲. البقره / ۲۷۶

^۳. دشتی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸

^۴. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۷

^۵. همان، ص ۲۲۳

^۶. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۲

^۷. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۲

یاد خدا هنگام غذا باعث برکت می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «چون نام خدا بر سر خوراک برند و در پایانش سپاس او گویند و دست‌ها را در پیش و پس از آن شویند و خوردنی نیز از حلال بود، برکتش کامل شود.»^۱

موانع برکت‌زایی از منظر قرآن کریم

از موانع برکت‌زایی که در قرآن و احادیث آمده به چند مورد اشاره می‌شود:

تکذیب آیات پروردگار

خداوند یکی از موانع برکت را تکذیب آیات پروردگار ذکر کرده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲؛ اگر مردمی که در این آبادیها و نقاط دیگر روی زمین زندگی داشته و دارند، به جای طغیان و سرکشی ظلم و فساد، ایمان می‌آوردند، و در پرتو آن تقوا و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، نه تنها مورد خشم پروردگار و مجازات الهی واقع نمی‌شدند، بلکه درهای برکات آسمان و زمین را به روی آنها می‌گشودیم، ولی متأسفانه آن‌ها صراط مستقیم که راه سعادت و خوشبختی و رفاه و امنیت بود رها ساختند.»

روی گرداندن از یاد خدا

درسوره طه آمده است اگر از یاد خدا روی برگردانید خداوند برکات و نعمات خود از انسان دریغ می‌کند: «وَ مَن أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى»^۳؛ و هر که برگردد از یاد کرد من او را باشد زندگانی تنگ، و برانگیزیم او را روز قیامت نابینا.»

سبک شمردن نماز

از رسول گرامی اسلام (ص) در مورد سبک شمرده نماز نقل شده که فرمودند: در بیان آنچه به سبک شمارنده نماز می‌رسد. اما پیامدهای دنیوی سبک شمردن نماز، نخست، آن‌که: خداوند، برکت را از عمر انسان برمی‌دارد؛ نیز خداوند، برکت را از روزی‌اش بر می‌دارد؛ و خداوند، سیمای (نشان) صالحان را از چهره‌اش می‌زداید؛ و هر عملی را که انجام می‌دهد، پاداش نمی‌یابد؛ و دعایش به آسمان، بالا نمی‌رود؛ و ششم، آن‌که: در دعای صالحان، بهره‌ای نخواهد داشت.^۴

^۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۷۱

^۲. الاعراب/۹۶

^۳. طه/۱۲۴

^۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۳

خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا

چهار چیزند که یکی از آنها وارد هیچ خانه ای نمی شود، مگر آن که [آن خانه] خراب می شود و هرگز با برکت، آباد نمی گردد: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.^۱

نیت فاسد

و از مولا امیر المومنین (ع)^۲ نقل شده: عِنْدَ فَسَادِ النَّيَّةِ تَرْتَفِعُ الْبِرَكَةُ؛ هرگاه نیت فاسد باشد، برکت برداشته می شود.^۳

بد زبانی

امام علی (ع)^۴ فرمود: «هرکس به برادر مسلمان خود دشنام دهد، خدا برکت را از روزی او بردارد، و او را به خودش واگذارد، و زندگی اش را تباه سازد.»

نتیجه گیری

از معنای لغوی و اصطلاحی واژه برکت و مشتقات آن متوجه می شویم که برکت به ثبوت و دوام خیر که در حال نمو و افزایش باشد، دلالت می کند. از آنجایی که خیرالهی در مقام ربوبیتش به طور نامحسوس صادر می شود و مقدار و عدد آن قابل شمارش نیست، لذا به هر چیزی که دارای زیادت غیر محسوس است در اصطلاح می گویند: این چیز مبارک و دارای برکت است. به کسی شخص با برکت گویند که مردم از وجود او بهرمنند شده و از جهت امر دینی و دنیوی از او استفاده نمایند. مبدأ و منشاء تمام خیرات و برکات خداوند است و لفظ تبارک بر ثبوت برکت در ذات خداوند دلالت دارد. صفت رحمان کثرت نعمت و صفت رحیم دائمی و همیشگی بودن نعمت از معانی برکت هستند. به کمال رساندن همه موجودات از جمله انسان از سنن الهی است، که انسان علاوه بر کمال تکوینی با سنت تشریح نیز به کمال و برکت هدایت شده است.

واژه تبارک در هشت مورد برای خداوند و در یک آیه برای «اسم» پروردگار بکار رفته است. گستره معنایی و مشتقات برکت در قرآن شامل برکت در نسل، خانه کعبه، سرزمین های مقدس، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت ابراهیم و فرزندان، کتاب مبارک، آب باران،... است.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۸۳

۲. ری شهری، اخلاق البرکة، ص ۳۸۰

۳. همان، ص ۳۸۱

اموری چون داشتن ایمان و تقوا، تصدیق پیامبران و ولایت علی^(ع) از جمله عوامل ایجاد برکت در حیات معنوی هستند. شکرگزاری، صدقه دان، سحرخیزی، اطاعت و رضایت خدا، دعای سحر، خوش رفتاری، صله رحم از عوامل ایجاد برکت در حیات مادی است. اموری چون روی گرداندن از یاد خدا، تکذیب آیات پروردگار، سبک شمردن نماز، خیانت، شرابخواری، دزدی و نیت فاسد هم از موانع برکت به حساب می آید.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد ابن مکرم، ۱۹۸۸، لسان العرب، انتشارات دارالحياء لتراث العربی چاپ اول، بیروت.

۲. الهی قمشه ای، مهدی، ۱۳۸۰ش، ترجمه قرآن، نوبت چاپ اول، سازمان ارشاد اسلامی، تهران.

۳. امین اصفهانی، سیده نصرت بیگم، ۱۳۵۴ش، مخزن العرفان، دفتر نشر گلبهار، اصفهان

۴. حسینی همدانی، سید محمد، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، چاپ اول، انتشارات لطفی، تهران

۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه فارسی، چاپ ۲، موسسه انتشارات، چاپ دانشگاه تهران، تهران

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، دار العلم، بیروت

۷. زمخشری، محمود ابن عمر، ۱۳۹۹ق، اساس البلاغه، دار صادر، لبنان

۸. شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۳۸۱ق، من لایحضره الفقیه، تهران

۹. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه، قم

۱۰. طبرسی، حسن ابن فضل، ۱۳۵۴، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه احمد بهشتی،

انتشارات فراهانی، تهران

۱۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۰ق، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی،

بیروت

۱۲. فخر رازی، محمد ابن عمر، ۵۴۴ق، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت

۱۳. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، انتشارات اسوه، قم

۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران

۱۵. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ اول، تهران

۱۶. قرطبی، محمد ابن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع الاحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران

۱۷. قمی مشهدی، محمد ابن محمد رضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقایق، سازمان چاپ و انتشارات

ارشاد اسلامی، تهران

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، اصول کافی، نشر المکتبه السلامیه، تهران
۱۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۲۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نمایشگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
۲۱. معلوف، لوویس، ۱۳۷۹، المنجد فی اللغه، فرحان، تهران
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۶، تفسیر نمونه، دار الکتب اسلامیه، تهران
۲۳. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۲ق، کنز العرفان فی فقه القرآن، تصحیح عبدالرحیم عقیقی، ناشر مکتب نوید اسلام، چاپ اول، قم
۲۴. ابن عربی، محی الدین، ۱۳۷۵، فصوص الحکم، به کوشش ابوالعلاء عقیقی، انتشارات الزهراء، تهران
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحديث، قم
۲۶. مدرسی، محمد تقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت من هدی القرآن، احمد آرام، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، چاپ اول، مشهد
۲۷. نهج الفضاحه، ۱۳۲۴، به کوشش ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران